

## “ شانزدهم آذر ”

در اردیبهشت سال ۱۳۳۰ دکتر مصدق پس از یک دوران طولانی مبارزه علیه نظام سلطه و شرط تصویب قانون اجرای ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور، پست نخست وزیری را در دست گرفت. دوران نخست وزیری مصدق یکی از پر افتخارترین دوره های تاریخ ملت ما است. مصدق توانست با پشتیبانی عظیم توده های با خاسته، قدم قدم استعمارگران را به عقب براند. خلعید از شرکت سابق نفت در ۲۹ خرداد ۱۳۳۰، بر ملا کردن چهره کره استعمارگران جنایت پیشه در شورای امنیت سازمان ملل در مهر ماه ۱۳۳۰، انحلال شعب شورای فرهنگی بریتانیا در شهرهای مشهد، اصفهان، شیراز و تبریز در ۱۶ بهمن ۱۳۳۰، دفاع از حقانیت ایران در دادگاه لاهه و ارائه ۸۱ سند مبتنی بر دخالت انگلستان در کارهای مملکتی در خرداد ۱۳۳۱، برچیدن بانک انگلیس بعنوان کانون استعمار در ایران، استخراج نفت بدست متخصصان ایرانی و ۰۰۰ این ها و نظایر این اقدامات نشانه هائی از موج خروشان بود که نابودی سلطه را در کام توانای مبارزه ملت هدف خود قرار داده بود. استعمار و ایادی وابسته آن چه در گذار دولتی و چه در گذار برخی احزاب وابسته به دیار و سیاستهای خارجی، خصوصا روسیه شوروی، بر آن شدند تا بساط حکومت ملی را برچینند. «خزاکا ری از پس خرابکاری، توطئه ها از پس توطئه» آفریده شدند. مصدق برای توجه دادن افکار عمومی به آنچه که در ایران و در خفا میگذشت در روز ۱۴ تیر ماه ۱۳۳۱ استعفا کرد. یک روز بعد مردم سراسر کشور به طرفداری از مصدق پیا خاسته. فشار مردم بجدی بود که مجلس مجدداً به نخست وزیری مصدق رای اعتماد داد. مصدق از این پیروزی استفاده کرده و خواهان تصدی پست وزارت جنگ شد. ولی در بار بهیچوجه حاضر به از دست دادن این وزارتخانه که تا آن زمان مستقیماً زیر نظر شاه میشد نبود. مصدق میدانست که تسلط شاه بر این وزارتخانه ادامه حیات نهضت ملی را مشکل میساخت، تلاشهای مصدق برای گرفتن وزارت جنگ با مقاومت دربار روبرو میشد. این تلاشها آنقدر اراج گرفت که مصدق با یک مانور دیگر همین امر را بهانه قرار داد و از پست نخست وزیری استعفا کرد. دربار و ارتش و ایادی بیگانه دست بکار شدند. حسین علا صبح روز ۲۶ تیر در مجلس حاضر شد و با اینکه تعداد نمایندگان بحد نصاب نرسیده بود توانست رای اعتماد برای نخست وزیری قوام السلطنه از مجلس بگیرد. بدین ترتیب قوام به نخست وزیری رسید. قوام السلطنه که یکی از کثیف ترین چهره های سیاسی تاریخ ایران است در اولین نطق رادیویی خود اعلام کرد «کشتیان را سیاستی دیگر آمد» و مردم را تهدید کرد که اگر به مخالفت او بر خیزند پنجه بی شفقت قانون را بروی آنان خواهد کشید و صریحاً اعلام داشت «دوران عصیان سپری شده و روز اطاعت از او امر فرارسیده است». ولی ملت علیرغم این تهدیدها و اوعاب ها آرام ننشست و در روز ۳۰ تیر پیا خاست. در این روز صد ها تن در تهران و شهرستانها از دم تیغ جلاذ گذشتند و با خون خود نهال مبارزه و انقلاب را آبیاری کردند. مصدق مجدداً به نخست وزیری رسید. ابعاد مبارزات رهاییبخش مصدق در طول حکومت ۲۷ ماهه اش از مرزهای ایران گذشت و این عفریت شوم انگلیس و افسانه شکست ناپذیرش مورد هجوم اکثر ممالک خاورمیانه قرار گرفت و «اقبال شیر پیر انگلستان در شرق غروب کرد». تلاشهای زیادی برای سقوط مصدق انجام میشد ولی همه طی قیام ۳۰ تیر و حوادث ۱ اسفند و ۲۵ مرداد مفتضحانه شکست خورد. از این پس دولت آمریکا بهمکاری انگلستان وارد توطئه جدیدی شدند. سازمان جاسوسی آمریکا «سیا» مسئولیت طرح و اجرای کودتا علیه مصدق را به عهده گرفت و با کمک اشرف - خواهر شاه - و جنرال شوارتسکف و هندرسن سفیر آمریکا در ایران کودتای ۲۱ میلیون دلاری را عمل کردند. مصدق بزدان افتاد، سران جبهه ملی و یاران وفادارش دستگیر شدند، آزاد یخوهان و وطن پرستان به شکنجه گاهها گسیل شدند و اوپاش و ارادل و قواش بر جان و مال مردم مسلط گردیدند. دیکتاتوری و سلطه ارتش روز بروز فزونی میگرفت ولی علیرغم این همه تدابیر صدای مردم خاموش نمیشد و در روز ۱۷ آبان همان سال، روزیکه محاکمه مصدق در دادگاهی که بقول مصدق «قاضی و دادستان و مدعی همه شخص شاه بودند» شروع شد، جوش و خروش مردم باوج خود رسید. در روز ۲۱ آبان نهضت مقاومت ملی تظاهرات عظیمی را در سراسر کشور برآه انداخت که در آن دهها هزار نفر شرکت داشتند.

در روز ۱۶ آبان یعنی یکروز قبل از آغاز محاکمات مصدق، سران حکومت کودتا با دولت انگلستان مخفیانه وارد مذاکره شدند، تا مجدداً روابط دیرینه را که بقیمت هزاران شهید از بین رفته بود برقرار سازند. در روز ۱۴ آذر سال ۱۳۳۲ زاهدی نخست وزیر غیر قانونی تجدید رابطه با انگلستان را از رادیو اعلام کرد. کسولگری انگلیس در ایران مجدداً باز شد و کاردار سفارت انگلیس قرار شد بزودی بایران بازگردد.

روزهای ۱۴ و ۱۵ آذر تظاهرات وسیعی در تهران و شهرستانها با شعار «مصدق پیروز است» برپا شد عده زیادی دستگیر و روانه شکنجه گاهها شدند و دولت توانست مجدداً «ارامش» را برقرار سازد. روز ۱۷ آذر قرار بود نیکسون معاون آیزنهاور بایران بیاید و ثمرات کودتای ۲۱ میلیون دلاری را برای رئیس جمهور آمریکا گزارش کند. رژیم همچنان از خروش مردم وحشت داشت صبح روز دوشنبه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ هنگامیکه دانشجویان وارد دانشگاه میشدند با تجهیزات نظامی فوق العاده و عبور تانکها در اطراف دانشگاه روبرو شدند و دانستند که توطئه ای در کار است لذا تصمیم گرفتند حتی المقدور بهانه ای بدست بیاورند و ولی وقتیکه جانین، سربازان گروه «جانباز» حمله بدانشجویان را آغاز کردند، یکمرتبه فریاد «مصدق پیروز است» «یا مرگ یا مصدق» و «دست نظامیان از دانشگاه کوتاه» از راهروهای دانشکده فنی با آسمان برخاست. کماندوهای دانشجویان را با سر نیزه و صدای گلوله پاسخ میدادند. در اولین لحظات مصطفی بزرگنیا به ضربه گلوله از یاد درآمد و شریعت رضوی ابتدا بضرب سر نیزه و سپس با دو گلوله دژیمی شهید شد، ناصر قندچی با رگبار مسلسل یکی از افراد دسته «جانباز» بشهادت رسید. چند ساعت زد و خورد بین دانشجویان خشمگین و کماندوهای وحشی، منجر بشهادت سه تن و مجروح شدن عده زیادی و دستگیری متجاوزان ۵۰ دانشجو شد.

دانشگاه به پیروی از دانشگاه فنی و در عزای شهدای آن در اعتصاب عمیقی فرو رفت. روز بعد ۱۷ آذر نیکسون بایران آمد. و در همان دانشگاهیکه روز قبل رژیم خائن سه وطن پرست را در جلوی مقدم نا مبارک و جنایت پیشه اش قربانی کرده بود حاضر شد و دکترای افتخاری حقوق را دریافت داشت.

از آن پس همه سال روز ۱۶ آذر از طرف دانشجویان بعنوان یکی از روزهای تاریخی و پر شکوه ملی بنام روز دانشجو شمرده میشود.

در طول مبارزات ضد استعماری مردمی، خصوصاً از شهر روز بدینسو دانشگاه تهران همواره یکی از جبهه های مقاوم در برابر استبداد و ارتجاع بوده است و دانشجویان ایران همچنان پرچم مبارزه ملی را بدوش برتوان خود کشیده و در تمام طول حیات مبارزاتی خود در کنار توده های محروم و ستمدیده ما قرار داشته اند.

سال گذشته از روز دهم آذر دانشجویان برای بزرگداشت روز ۱۶ آذر پیا خاستند و در دانشگاه تهران و پلی تکمیک

دست بتظاهرات یکپارچه‌ای زدند . شعار دانشجویان دفاع از اصالت<sup>جیش</sup> خلق بود و با قاطعیت بیسابقه ای توطئه علیه موجودیت سازمان مجاهدین خلق را محکوم ساختند .  
تلاشهای رژیم برای جدائی دانشجویان از توده ستم‌دیده بجائی نرسیده و روز بروز صفوف مبارزه محکمتر میگردد و علیرغم برنامه‌هایی که بمنظور کنترل شدید دانشگاه و تصفیه دانشجویان صورت میگردد و علیرغم نظامی کردن دانشگاه و محیط رشد و پرورش دانشجویان و دانش‌آموزان، همچنان در سنگر مبارزه علیه ارتجاع و استبداد و استعمار و استثمار جانفشانی میکنند .

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون (سوره آل عمران آیه ۱۶۹)  
( شهدای راه آزادی و فضیلت را مرده میندازد که بحیات جاودانی زنده اند )

خاطره شهدای روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ جاودان باد

اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا

دهم آذر ۱۳۵۵